

(عالم اسلام)

# شرح رساله حقوق امام سجاد



حجت الاسلام و المسلمین استاد  
محمد جواد حاج علی اکبری

موضوع

حق صدقه (۱)

تاریخ ۱۳۹۴ / ۰۶ / ۰۱



فهرست

■ صدقه از دیدگاه امام سجاد (علیه السلام)

■ خداوند خود پاداش صدقه را می‌دهد

■ معنای صدقه و مصادیق آن

■ دو ویژگی مؤمن: عبادت حق، خدمت به خلق

■ خداوند خود صدقه را دریافت می‌کند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
رَبِّهِمْ

هستند که خدای متعال در متن برنامه‌ها و اعمال و افعال ما تعبیه کرده و فعل ما را بهانه‌ای برای رشد، کمال، سعادت و خوشبختی ما قرار داده است. درست است که به وسیله خود ما انجام می‌شود، ولی به اراده الهی و اذن خدای متعال صورت می‌گیرد.

وقتی امر الهی به کار ما تعلق می‌گیرد، به یک پل ارتباطی بین ما و حضرت حق تبدیل می‌شود و ما به این ترتیب به وسیله کاری که خودمان انجام می‌دهیم، به ساحت مقدس حضرت حق تقرب پیدا می‌کنیم. لذا این افعال، دیگر افعالی معمولی نیستند. تحت امر هستند و برای آنها برنامه، قاعده، ضابطه، حدود و ثغور تعریف شده است.

### صدقه از دیدگاه امام سجاد (علیه السلام)

اولین فعل، نماز بود؛ با آن حقوق عظیمی که داشت. حق دوم روزه بود. سومین حق، حق صدقه است که با این عبارت شروع می‌شود: «وَأَمَّا حَقُّ الصَّدَقَةِ» یک جمله‌ی

حضرت سید الساجدین و امام العارفین علی بن الحسین (علیه السلام) در متن فاخر نورانی رساله حقوق، مباحث عالی سبک زندگی توحیدی و ایمانی و اسلامی را بیان کرده‌اند. روش و سیره ما این است که طبق نظم بحث در رساله حقوق، به قرآن کریم مراجعه داشته باشیم و از معارف قرآنی بهره‌مند شویم. بنیان‌های زندگی یک انسان مؤمن، بر اساس آیات کریمه قرآنی است؛ آن‌هم به قرائت اهل بیت (علیهم السلام) که اهل قرآن هستند.

این جلسه سراغ سومین حقی که در فهرست حق افعال است و دوازدهمین حق از فهرست رساله حقوق، می‌رویم. امام (علیه السلام) فصلی را تحت عنوان حقوق افعال باز کرده‌اند. معلوم شد بعضی از افعال بر عهده ما حق دارند. خیلی جالب است. فعل خود ما است و توسط خود ما انجام می‌شود، اما حق دارد. رازی که در این تعبیر زیبا بود، عبارت بود از اینکه اینها در واقع تصویرهای بدیع و زیبایی

صدقه را از چند جانب بررسی کنیم. یکی از جانب خود متن رساله حقوق است که ببینیم چه بخشی از مطالب مربوط به صدقه مورد اعتنا و اهتمام و تأکید امام (علیه السلام) است. نکته دوم مروری بر معنای روشن‌تر صدقه و ابعاد و آفاق و مصادیقش است. به فضل الهی مراجعه‌ای خواهیم داشت به نص کلام الهی، تا از آینه وحی به این فعل رشید و رشددهنده و پیش‌برنده نگاهی بیندازیم و جایگاهش را نزد خدای متعال بهتر بشناسیم. ضمناً نگاهی داشته باشیم به آثار، برکات و نتایج فردی، اجتماعی، دنیایی، آخرتی، مادی و معنوی صدقه، و آداب این فعل نورانی را نیز بررسی خواهیم کرد. در آخر نیز آفات آن را برمی‌شماریم؛ یعنی چیزهایی که می‌تواند به صدقه آسیب بزند و آن را از اثر بیندازد.

### خداوند خود پاداش صدقه را می‌دهد

ائمه (علیهم السلام) پیش خدای متعال عزیز هستند و جایگاه دارند و دستشان در گنجینه‌های بیپایان الهی

حقیقتاً عالی و درجه یک، و یک بیان توحیدی جذاب ناب از صدقه که بسیار دل‌پذیر است. می‌شود گفت که امام (علیه السلام) تا آخر تکلیف را روشن می‌کند. همه‌ی ما صدقه را می‌شناسیم. منتها ببینیم از نگاه ولی کامل، وقتی بخواهد صدقه تعریف شود، چگونه تعریف می‌شود.

می‌توان گفت که امام (علیه السلام) عصاره و خلاصه ده‌ها آیه از قرآن کریم و صدها روایت و صدها نمونه سیره و الگو از زندگی اولیا خدا را در یک جمله به ما معرفی می‌کند. حق صدقه چیست؟ حق صدقه این است: «فَأَنْ تَعْلَمَ». به این فهم، علم و روشنایی بررسی که «أَنْهَا ذَخْرُكَ عِنْدَ رَبِّكَ». چقدر تعبیر، تعبیر بلند، عمیق، جذاب و حقیقتاً هنرمندانه‌ای است. امام (علیه السلام) با یک جمله آن را تکمیل کرده‌اند: «وَوَدَّعْتُكَ أَلَّتْ سِي لَّا تَحْتَأُجُ إِلَى الْإِشْهَادِ». صدقه، امانت و ودیعه تو پیش خدای متعال است. جالب است که احتیاج به هیچ شاهد، سند، مدرک و گواهی هم ندارد؛ چون خدا است که شاهد و دریافت‌کننده است.

ما به لطف خدای متعال، می‌خواهیم

تعبیر بسیار جذاب و شیرین هست که مسئله را تبدیل به یک قاعده کلی می‌کند و آن این است: «إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ». خدا است که پاداش می‌دهد. یعنی کسی که اهل صدقه است، پاداشش را از خدا می‌گیرد. جالب است که شما اینجا به ولی خدا می‌گویید که به ما بده، خدا به تو پاداش می‌دهد. به این ترتیب گریزی می‌زنید به تعمیم فرهنگ صدقه. «إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ»، یعنی ای همه کسانی که دستی در صدقه دارید، بدانید که سر و کار شما با خدا است.

### معنای صدقه و مصادیق آن

صدقه یعنی چه و این واژه چگونه برای چنین فعلی انتخاب شده است؟ هر نوع خدمت صادقانه و خالصانه به دیگران، در فرهنگ اسلامی و قرآنی صدقه محسوب می‌شود. چه مادی باشد و چه معنوی؛ چه واجب باشد و چه مستحب؛ چه بر اساس درخواست کسی باشد، چه بدون درخواست باشد.

در این تعریف تکیه روی دو نکته

گشوده است. خدای متعال همه‌ی گنجها و ذخایرش را در تصرف و اختیار ولی کامل قرار داده است. ویژگی ولی کامل این است. اهل بیت (علیهم السلام) کلیددار گنجینه‌های بیپایان و بیکران لطف و مهر پروردگار متعال هستند. آنها پیش خدای متعال عزیز هستند و در دستگاه خلقت و عالم وجود، عزت دارند و عزتشان به خاطر کرم و کرامتشان است. کرامتشان نیز به خاطر دست‌های گشاده‌شان است که دست خدا است و لطف و مهر پروردگار متعال را توزیع میکنند. بنابراین میشود به آنها این‌گونه خطاب کرد که: «يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلْنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبُضْعَةٍ مُّزَجَّجَةٍ فَاؤُفْ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ: [۱] ای عزیز، ما و کسانی که گرسنگی افتاده‌ایم و با سرمایه‌ای اندک آمده‌ایم. پیمانمان را تمام ادا کن و بر ما صدقه بده؛ زیرا خدا صدقه‌دهندگان را دوست دارد». درد دل کنیم و بگوییم که ما مشکل و گرفتاری زیاد داریم؛ مخصوصاً گرفتاریهای مربوط به خانواده‌های ما، بچه‌های ما، جوانان ما، عزیزهای ما. بخواهیم که از آنچه که نزدشان است، از آن ذخایر بیکران، به ما صدقه دهند. در این آیه کریمه یک

و کمکش کند تا از حیرت نجات یابد. همه‌ی این موارد جزء عنوان عام صدقه قرار می‌گیرد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «كُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ» [۲] یعنی هر کار خوب و شایسته‌ای که در خدمت به انسان‌ها قرار گیرد و اسباب رفع نیازی از نیازهای مادی و معنوی آنها شود، ذیل عنوان عمومی صدقه قرار می‌گیرد. پس معنای صدقه این می‌شود: هر نوع خدمت صادقانه و خالصانه به دیگران که با قصد قربت به ساحت پروردگار متعال انجام می‌شود، چه مادی باشد و چه معنوی، چه بر اساس درخواست کسی باشد، چه بدون درخواست و بر اساس تشخیص خود صدقه‌دهنده باشد، چه واجب باشد و چه مستحب. نمونه برجسته واجب آن، حق مالی واجبی است که خدای متعال در اموال ما به طور خاص تعیین کرده که اسمش زکات است. جالب آنکه در قرآن کریم به زکات عنوان صدقه داده شده است [۳] که بر اساس شرایط و قواعد خاصی، بر برخی واجب می‌شود.

یک نمونه شناخته‌شده از زکات که عمومی است، زکات فطره است که در عید سعید فطر بر همه کسانی

است. یک، خدمت به دیگران؛ دو، در آن هیچ نوع چشم‌داشتی وجود نداشته باشد. سر و کارمان در این قضیه با خدای متعال است. ممکن است خدمتی که انجام می‌دهیم، مادی باشد؛ مثل اینکه وجهی یا امکاناتی را تقدیم کنیم. ممکن است بر اساس درخواست شخص باشد. کسی سؤال و ابراز نیازی کرده است و ما آن نیاز را برطرف می‌کنیم. یا ممکن است بر اساس تشخیص خود ما باشد. جالب است که ممکن است اصلاً از قبیل مسائل مادی نباشد.

مصدق ویژه و خاص صدقه عبارت است از صدقه مادی که انسان پول یا امکاناتی را در اختیار کسی قرار دهد و از این طریق خدمتی کند. اما طبق روایات، منحصر به مادیات نیست. صدقه‌ی مالی یکی از مصادیق و مصداق ویژه آن است که خیلی مطرح و شناخته‌شده است. لذا وقتی می‌گوییم صدقه، ذهن می‌رود روی اینکه پولی در اختیار یک فرد نیازمند گذاشته شود. در حالی که طبق آن مبنای می‌تواند یک امر معنوی باشد؛ مثلاً یک لیخنند در سیمای یک انسان مؤمن که دل او را شاد کند. یک راهنمایی که او را هدایت کند

که نشان صدق و اخلاص است و باعث رونق ایمان، حالت توحید و خداپرستی و تقویت ارتباط انسان با خدای متعال می‌شود. جالب است که بعد از نماز، زیباترین جلوه بندگی، صدقه به این معنا است که باشکوهترین جلوه انسانیت صدقه است.

### دو ویژگی مؤمن: عبادت حق، خدمت به خلق

انسان مؤمن دو راه به سوی خدای متعال و تقرب به حضرت حق دارد. یک راهش نماز است یا عباداتی شبیه نماز مثل روزه که بی‌واسطه است و به صورت مستقیم با خدای متعال حرف می‌زنیم. یکی هم صدقه است که از طریق مردم انجام می‌شود. یک جمله خیلی شیرینی است که می‌گویند راه خدا از بین خلق می‌گذرد. مصداق بارزش صدقه است. یعنی هر نوع برّ و احسان و انفاق و خیرسانی و خدمت‌رسانی که انسان با قصد تقرب به پروردگار متعال در رابطه با دیگران داشته باشد. این کار، انسان را به پروردگار متعال نزدیک

که عیال دارند و کسانی تحت سرپرستی و اداره آنها است و کسانی سر سفره‌شان هستند، واجب شد و بر عهده آنها قرار گرفت. این صدقه‌ی برگزیده و ناب، به عنوان زکات واجب شده است.

صدقه از ریشه صدق و راستی انتخاب شده که خیلی جذاب و شیرین است. پس وقتی می‌گوییم صدقه، خود این کلمه پیام دارد و پیام آن این است که اقدامی که انجام می‌شود، از سر صدق و اخلاص و صفا صورت می‌گیرد. این‌گونه نیست که شما از کسی که خدمتی به او می‌کنی یا پولی به او می‌دهی، توقع یا چشم‌داشت داشته باشید که او لطف شما را جبران کند یا حتی به زبان بگوید: خیلی ممنونم. یا چهار جا برود و بگوید که فلان کس مشکل مرا حل کرد. این دیگر صدقه نیست. حواسمان باشد. به چنین کاری کلمه صدقه که یک کلمه دینی شرعی قرآنی انتخاب‌شده‌ی برگزیده است، اطلاق نمی‌شود. بنابراین هیچ کدام از آن آثار، یعنی بخش اصلی آن آثار، به آن مترتب نمی‌شود و ذخیره‌ای به وجود نمی‌آید. البته آثار اندکی دارد، اما به آن صدقه نمی‌گوییم. پس به این خاطر صدقه می‌گویند



می‌شوند. البته این دو ویژگی یک ویژگی است. منتها یکجا این ارتباط بدون واسطه است که در نماز شکل می‌گیرد. یکی هم از طریق بندگان خدا است. خدمت، احسان و رسیدگی به آنها، منتها با نیت پاکیزه و خالص و صادق. به این ترتیب می‌شود گفت صدقه درهای لطف و فضل و احسان و محبت پروردگار متعال و مهربان را به روی بندگان باز میکند. نماز باب فضل خدا است و وقتی بنده می‌گوید: «الله اکبر» در رحمت خدا به رویش باز می‌شود. در صدقه هم وقتی شخص به خاطر خدای متعال به بندگان خدا خدمت می‌کند، با دست‌هایش و به وسیله این فعل که اسمش صدقه است، در لطف و رحمت و احسان و مغفرت و کرم خدای متعال را به روی خودش باز می‌کند.

بالاترین مصداق صدقه با این معنایی که برای آن گفته شد، با آن معنای وسیع و گسترده‌اش، بالاترین نوع خدمت و نزدیک‌ترین جنس صدقه آن چیزی است که از طریق پدر و مادر انجام می‌شود.

به شما گفته میشود: «تَبَسُّمُكَ فِی وَجْهِ أَخِيكَ صَدَقَةٌ»؛ [۴] لبخند زدن

می‌کند و مورد لطف حضرت حق قرار می‌گیرد و سیره روشن و مشترک و حقیقتاً جذاب و دلربای همه اولیاء خدا بوده است. به زندگی‌شان که مراجعه می‌کنید، می‌بینید که در متن زندگی آنها یک بخش ارتباط با خدا است که در قالب نماز، مناجات، روزه، حج و عباداتی از این دست محقق می‌شود. یک بخش دیگر ارتباط با خلق است از سر صدق و صفا، در خدمت‌رسانی، گره‌گشایی و احسان. در شخصیت مؤمن این دو ویژگی هست. انسان مؤمن دستی به سوی خدا دارد، و دستی به سوی مردم و خلق. البته اعم از مردم، حتی رسیدگی به یک حیوان هم در روایات ما آمده است. اما مصداق ویژه‌اش انسانها هستند. با این حال منحصر به اشخاص محتاج مسکین نیازمند نیست؛ اگرچه آنها در صدر هستند. بلکه معنایش خیلی فراگیرتر از اینها است. وقتی شما به زندگی اولیا خدا مراجعه می‌کنید، می‌بینید به نوعی وقف خدمت به خلق هستند؛ یعنی از یک سو دستی به دامن حق دارند، و از سوی دیگر دستی به سوی خلق. مؤمنین در هر رتبه‌ای از ایمان باشند، این ویژگی را دارند. هرچه رتبه ایمانشان بالاتر رود، در این دو ویژگی قوی‌تر

به مردم، به خلق خدا، وقتی که از سر صدق و از سر صفای ایمان و با نیت تقرب به خدای متعال باشد، ذیل عنوان صدقه میرود. صدقه مادی وقتی به نیازمند داده میشود - با آداب خاصی که اشاره خواهم کرد - مصداق ویژه و برگزیده صدقه است که در روایات ما و در کلمات اولیای خدا مورد تأکید قرار گرفته است.

### خداوند خود صدقه را دریافت می‌کند

یک آیه از قرآن کریم را بخوانم تا ببینیم کلمه اول رساله حقوق، از کجا به دست آمده است. امام (علیه السلام) فرمودند: «فَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّهَا ذَخْرُكَ عِنْدَ رَبِّكَ». صدقه ذخیره و گنجینه تو پیش خدای متعال، و ودیعه و امانت تو نزد حضرت حق است. این آیه کریمه به صورت سؤالی مطرح شده است: «أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ؟» [۶] آیا ندانسته‌اند که تنها خدا است که از بندگانش توبه را می‌پذیرد و

توبه روی برادرت صدقه است». در چهره برادر مؤمنت لبخند می‌زنی، دل او را شاد میکنی، این کار تو صدقه است. حال اگر کسی در سیمای پدر و مادرش لبخند بزند و قلب آنها را روشن کند، چه صدقه‌ای می‌شود؟

گاهی صدقه با مصرف تمام می‌شود، مثل اینکه انسان پولی را به کسی میدهد و او خرج میکند، یا نه، چیزی را وقف می‌کند که صدقه جاری و ماندگار و مستمر میشود، در صورتی که دائماً از آن استفاده شود. در آیه «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا؟» [۵] کیست که به خدا وام نیکو دهد؟. مصدقین و المصدقات به تفصیل توصیف شده‌اند که آنها در واقع به خدای متعال قرض میدهند. چیزی را که خدا به آنها داده است، به ساحت قدس ربوبی برمی‌گردانند و خدای متعال به آنها پاداش‌های مضاعف کرامت میکند. جالب است که اینجا نیز صدقه با کلمه قرض الحسنه تفسیر و تبیین می‌شود. بنابراین یکی از مصداق بسیار برجسته صدقه، قرض الحسنه است.

پس هر نوع خدمتی، مادی و معنوی

شی‌ی الا و قد وکلت من یقیضه  
 غیرى الا الصدقه فانى اتلقضها بیدی  
 تلقفا؛ [۷] خدای متعال میگوید:  
 هیچ چیزی نیست مگر اینکه من  
 غیر از خودم را برای گرفتن آن  
 مأمور کرده‌ام، به جز صدقه، پس  
 همانا صدقه را من با دست خود  
 می‌ستانم. من برای هر چیزی  
 یک وکیلی، یک واسطه‌ای، یک  
 رابطه‌ای، گذاشتم. غیر از صدقه. در  
 صدقه خودم هستم که دریافت می-  
 کنم. «فانى اتلقضها بیدی». خودم  
 هستم که با دست خودم صدقه را  
 میگیرم. با همین مبنا است که از  
 پیامبر عزیز (صلی الله علیه و آله)  
 نقل شده که حضرت فرمودند: در  
 دو چیز شریک و کمک‌کار نمی-  
 خواهم. یکی در وضو نمیخواهم  
 کسی به من کمک کند. می‌خواهم  
 تمام مقدماتش را خودم انجام دهم؛  
 مخصوصاً آن وقت‌ها که باید از  
 چاه آب میکشیدند. اما چرا؟ چون  
 «وُضُوئِیْ فَإِنَّهُ مِنْ صَلَاتِی». یکی  
 از بخشهای اصلی نماز است.  
 «و صدقتی فانها من یدی الی یدِ  
 السائل» و صدقه‌ام که نمی‌خواهم  
 کسی با من شریک شود؛ چون از  
 دست من به دست سائل میرسد  
 و «فانها تقع فی یدِ الرحمن» [۸]  
 در دست خدای مهربان قرار  
 می‌گیرد. بر اساس همین سیره‌ی

صدقات را می‌گیرد، و خدا است  
 که خود توبه‌پذیر مهربان است؟».  
 خیلی تکان‌دهنده است. آیا بندگان  
 من خبر ندارند. از چه؟ از دو نکته:  
 یک، «هُوَ یَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ». آیا  
 خبر ندارند که خدای متعال  
 خودش توبه را میپذیرد؟ نکته دوم:  
 «و یأخذ الصدقات». آیا خبر ندارند  
 که خدا خودش صدقه را دریافت  
 میکند؟ با این نگاه توبه و صدقه  
 چه جایگاهی پیدا میکند؟ بنده خدا  
 وقتی پس از خطا و گناهش پشیمان  
 است و برمیگردد، آیا توجه دارد که  
 خدا خودش توبه او را قبول میکند؟  
 آغوش رحمت و لطف الهی به روی  
 بندگان گنهکار گشوده است و او،  
 آنان را میبپذیرد. اینجا امام (علیه  
 السلام) با استفاده از مضمون آیه  
 «أَلَمْ یَعْلَمُوا» میفرمایند حق صدقه  
 این است که «أَنهَا ذَخْرُکَ عِنْدَ  
 رَبِّکَ». این ذخیره تو پیش خدا  
 است که میگیرد و دریافت می-  
 کند و این ودیعه و امانت تو است  
 نزد پروردگار متعال. یک نگاه  
 کاملاً توحیدی، لطیف، فوق‌العاده  
 شوق‌انگیز، سازنده و حقیقتاً دلبرانه  
 به صدقه.

امام صادق (علیه السلام) در روایتی  
 بسیار زیبا درباره صدقه می‌فرماید:  
 «إن الله تبارک و تعالی یقول ما من

- نورانی است که اولیای خدا وقتی صدقه‌ای می‌دانند، دست مبارکشان را میبوسیدند. ما نیز وقتی صدقه‌ای می‌دهیم یا گره‌گشایی می‌کنیم، دستان بوسیدنی و بوییدنی می‌شود؛ چون به دست پروردگار متعال اصابت کرد. به تعبیر استاد جوادی آملی به دست بی‌دست خدا، یعنی به لطف خدای متعال اصابت کرد. این دست را بویید و بوسید که بوی رحمان از آن استشمام می‌شود.
- [۴]. متقی هندی، کنز العمال، حدیث ۱۶۳۰۵.
- [۵]. بقره: ۲۴۵.
- [۶]. توبه: ۱۰۴.
- [۷]. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۱۳۴.
- [۸]. همان، ج ۲، ص ۳۲۹.

خدا را قسم می‌دهم به حق محمد و آل محمد، اخلاص و صدق و صفای در خدمت به بندگانش را به همه‌ی ما کرامت کند.



## منابع و مأخذ

- [۱]. یوسف: ۸۸.
- [۲]. کلینی، کافی، ج ۴، ص ۲۶.
- [۳]. «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا؛ أَمْوَالِ أَنْبَاءِ صَدَقَتِهَا يُغْفَرُ لِمَن سَلَفَ وَأَن يَأْتِيَ بِهَا فِئَةٌ مِّنْهُمْ يَكْفُرُ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ وَأَن يَأْتِيَ بِهَا فِئَةٌ مِّنْهُمْ يَكْفُرُ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ»
- و پاکیزه‌شان سازی». توبه: ۱۰۳.





افوغها؛ درنگی بر مسئله تعلیم و تربیت

OfoghHa.ir • سامانه پیامکی: ۳۰۰۴۸۵۹۵۹

اِشْنِبِه‌ها، ساعت ۱۹

بازپخش دوشنبه‌ها، ساعت ۱۲



از شبکه قرآن و معارف سیما/ برنامه یاد خدا

